



From the Stagnation of Ignorance to the Light of Knowledge: An Analysis of the Concept of 'Ignorance' (Jahl) in the Qur'an and Narrations Based on Zagzebski's Responsibilist Virtue Epistemology

Norouz Amini ¹

Abstract

This study aims to uncover the epistemological presuppositions of the Holy Qur'an regarding the concept of "ignorance" (jahl) and to provide a systematic analysis of it, drawing on Qur'anic and narrative data and utilizing the contemporary theoretical framework of "virtue epistemology." Focusing on the verses in which derivatives of the root j-h-l appear, alongside an analysis of the narrations from the Kitab al-'Aql wa al-Jahl of Usul al-Kafi, the study demonstrates that the Qur'an and narrations do not regard "ignorance" merely as a lack of information. Rather, in most cases, they consider it a blameworthy and avoidable "epistemic vice" resulting from the epistemic agent's failure to fulfill their cognitive responsibilities. A content and ontological analysis of these verses reveals that ignorance is consistently accompanied by "misconceptions" about beings and concepts, and that these misconceptions themselves arise from the dominance of epistemic vices such as prejudice, arrogance, hastiness, uncritical acceptance of claims, and defiance against evidence. In contrast, the Qur'an and narrations introduce "epistemic conscientiousness" as a central and fundamental virtue for avoiding ignorance and attaining knowledge. This conscientiousness necessitates the application of a set of secondary epistemic virtues, including fairness, humility, self-restraint, patience, and open-mindedness. This study shows that the theoretical framework of responsibilist virtue epistemology (particularly the views of Linda Zagzebski) provides a useful tool for systematizing Qur'anic and narrative teachings on ignorance. It further suggests that a constructive dialogue and mutual engagement between these two intellectual traditions is possible, without imposing one upon the other.

Keywords: Holy Quran, Ignorance (Jahl), Virtue Epistemology, Epistemic Conscientiousness, Linda Zagzebski, narrations of Kitab al-'Aql wa al-Jahl, Virtue Responsibilism.

Citation: Amini, N. (2026). "From the Stagnation of Ignorance to the Light of Knowledge: An Analysis of the Concept of 'Ignorance' (Jahl) in the Qur'an and Narrations Based on Zagzebski's Responsibilist Virtue Epistemology". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (2), 4-29. (In Persian)

* Received: 2026/02/25, Revised: 2026/05/15, Accepted: 2026/06/20.

1. Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: Norouz.amini@guilan.ac.ir.





از خمود جهل تا فروغ معرفت؛ واکاوی مفهوم «جهل» در قرآن و روایات بر اساس رهیافت فضیلت گرایی مسئولیت محور زاگزبسکی

نوروز امینی^۱

چکیده

این پژوهش، با هدف کشف پیش فرض های معرفت شناختی قرآن کریم، در باب مفهوم «جهل» و ارائه تحلیلی نظام مند از آن، با اتکا به داده های قرآنی و روایی و با بهره گیری از چارچوب نظری «معرفت شناسی فضیلت» معاصر انجام شده است. تمرکز بر آیاتی که مشتقات ریشه «ج ه ل» در آن ها به کار رفته، همراه با تحلیل روایات کتاب «العقل و الجهل» اصول کافی، نشان می دهد که قرآن و روایات، «جهل» را نه صرفاً به معنای فقدان اطلاعات، بلکه در بیشتر موارد، به مثابه یک ردیلت معرفتی نکو هیده و قابل اجتناب می دانند که ناشی از شکست عامل معرفتی در ایفای مسئولیت شناختی خویش است. تحلیل محتوایی و هستی شناختی این آیات، نشان می دهد که جهل در قرآن، همواره با تصورات نادرست از موجودات و مفاهیم، همراه است و این تصورات نادرست، خود محصول غلبه رذایل معرفتی ای چون تعصب، تکبر، شتاب زدگی، پذیرش بی قید و شرط ادعاها و گردن کشی در برابر شواهد است. در مقابل، قرآن کریم و روایات، وظیفه شناسی معرفتی را به عنوان فضیلتی محوری و بنیادین، برای اجتناب از جهل و نیل به معرفت معرفی می کنند. این وظیفه شناسی، مستلزم کار بست مجموعه ای از فضایل معرفتی ثانویه، همچون انصاف، تواضع، خویشن داری، صبر و گشودگی ذهن است. این پژوهش نشان می دهد که چارچوب نظری معرفت شناسی فضیلت مسئولیت گرا (به ویژه آرای زاگزبسکی)، ابزار مناسبی برای صورت بندی و نظام بخشی به آموزه های قرآنی و روایی درباره جهل فراهم می آورد و قابلیت گفت و گو و تعامل میان این دو سنت فکری وجود دارد، بدون آنکه یکی بر دیگری تحمیل شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جهل، معرفت شناسی فضیلت، وظیفه شناسی معرفتی، لیندا زاگزبسکی، روایات کتاب العقل و الجهل، معرفت شناسی مسئولیت گرا.

استناد: امینی، نوروز (۱۴۰۵). «از خمود جهل تا فروغ معرفت؛ واکاوی مفهوم «جهل» در قرآن و روایات بر اساس رهیافت فضیلت گرایی مسئولیت محور زاگزبسکی». قرآن پژوهی روابی، ۲ (۲)، ۲۹-۴.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: Norouz.amini@guilan.ac.ir.



۱- بیان مسئله

قرآن کریم، به عنوان بنیادی‌ترین متن دین اسلام، سرشار از دعوت به تعقل، تدبر و کسب علم است. در این میان، مشتقات ریشه «ج ه ل» با ۲۴ بار تکرار در آیات، شبکه معنایی مستقلی را شکل می‌دهند که بررسی آن می‌تواند ابعاد ناگفته‌ای از معرفت‌شناسی قرآنی را آشکار سازد. جهل در قرآن صرفاً به معنای فقدان علم نیست، بلکه در بسیاری از موارد، با مفاهیمی چون سفاقت، شتاب‌زدگی، تعصب، و فقدان حلم پیوند می‌یابد. از این رو، بررسی آیات مرتبط با این مفهوم، افزون بر تبیین مصادیق جهل، ابعاد معرفتی و اخلاقی آن را در نظام معنایی قرآن روشن می‌سازد. این آیات، دربردارنده پیش‌فرض‌ها و مبانی معرفت‌شناختی و اخلاقی درباره ماهیت معرفت، مسئولیت انسان و عوامل انحراف از حقیقت نیز هستند.^۱

مسئله محوری این پژوهش، کشف پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی قرآن درباره ماهیت «جهل»، تبیین نسبت آن با «معرفت» و ارائه تحلیلی نظام‌مند از این مفهوم در قرآن کریم است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که از منظر قرآن، جهل چه ماهیتی دارد و چه عواملی در پیدایش آن نقش‌آفرین‌اند؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که قرآن، جهل را صرفاً وضعیتی ناشی از فقدان دانش نمی‌داند، بلکه آن را ردیلتی معرفتی، پویا، مقصرانه و نکوهیده معرفی می‌کند که از قصور یا تقصیر عامل معرفتی در به‌کارگیری فضایل فکری و انجام وظایف شناختی ناشی می‌شود. در مقابل، غلبه بر جهل، در گرو برخورداری از فضایل معرفتی و به‌کارگیری آن‌هاست. به بیان دیگر، انسان در اثر کوتاهی در انجام وظایف معرفتی خویش، گرفتار جهل می‌شود. برای آزمون این فرضیه، افزون بر آیات قرآن، روایات کتاب «العقل و الجهل» از اصول کافی نیز با همین روش تحلیل می‌شوند تا پیوستگی معنایی میان قرآن و سنت در این حوزه روشن شود.

چارچوب نظری پژوهش بر «معرفت‌شناسی فضیلت»^۲ استوار است. این پارادایم معاصر، که در پی چالش‌های نظریه کلاسیک معرفت شکل گرفت، تمرکز خود را از ویژگی‌های باور مانند توجیه، به ویژگی‌های فاعل شناسا و فضایل فکری او معطوف ساخته است (باتالی، ۲۰۱۲، ص ۱۰-۱۲). انتخاب این چارچوب از آن روست که توصیف‌های قرآنی از جهل، بیش از آنکه ناظر به ویژگی‌های باور باشند، بر ویژگی‌ها و عملکردهای عامل معرفتی تأکید دارند؛ همان مسئله‌ای که در معرفت‌شناسی فضیلت جایگاهی محوری دارد. در میان شاخه‌های مختلف این رویکرد، «معرفت‌شناسی فضیلت مسئولیت‌گرا»^۳ با تأکید بر نقش

۱. تأکید بر تقابل «جهل و علم» در این مقاله، ناظر به ساختار مفهومی درون خود قرآن است، نه پیش‌زمینه تاریخی و ریشه‌شناختی واژه؛ چنان‌که ایزوتسو تصریح می‌کند، معنای اولیه و اصلی جاهلیت، مقابل حلم بوده، اما در قرآن، جهل گاه در برابر علم نیز قرار می‌گیرد؛ مانند آیه (فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِطْتُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) (هود: ۴۶) و این خود نشان‌دهنده یک دگرگونی معنایی بنیادین است (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۷۸). پژوهش حاضر از همین حیث معرفت‌شناختی مسئله را دنبال می‌کند.

2. Virtue epistemology

3. Responsibilist virtue epistemology



انگیزه، مسئولیت‌پذیری و فضایل اخلاقی - معرفتی، چارچوبی مناسب‌تر برای تحلیل داده‌های قرآنی فراهم می‌آورد.

۲- پیشینه تحقیق

به لحاظ پیشینه، تاکنون پژوهش‌هایی درباره معنانشناسی واژه «جهل» در قرآن کریم انجام شده است: رفیعی و عبداللہی در مقاله «معنانشناسی واژه جهل در قرآن کریم»، سیر تطور، وجوه معنایی و چگونگی استعمال مشتقات مختلف واژه جهل در قرآن را در مقابل حلم، عقل، اسلام و نیز حوزه معنایی آن‌ها و ارتباطشان با واژگان مترادف، متقابل و مجاور با معنای اصلی، بر محور جانشینی یا هم‌نشینی، تبیین کرده‌اند (رفیعی و عبداللہی، ۱۳۹۳). اسکندری نیز در مقاله «بررسی معنای واژه جهل در قرآن کریم»، آرای تفسیری متفاوت در خصوص معنا و مصادیق جهل در قرآن را مورد بررسی قرار داده است (اسکندری، ۱۳۹۴). صادقی نیز در مقاله «تحلیل فضایل مبتنی بر جهل از منظر جولیا درایور»، فضایل مبتنی بر جهل و بی‌خبری از منظر جولیا درایور را مورد نقد قرار داده است (صادقی، ۱۳۹۳). با این حال، تحلیل مفهوم جهل از دیدگاه معرفت‌شناسی فضیلت معاصر که محور اصلی این مقاله است، در این آثار دیده نمی‌شود و بر این اساس، پرسش و فرضیات این تحقیق بدیع به نظر می‌رسد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش، در پی ارائه خوانشی فلسفی - معرفت‌شناختی و نظام‌مند از مفهوم قرآنی «جهل»، فراتر از تحلیل‌های لغوی یا تفسیری متعارف، با تأکید بر جنبه‌های اخلاقی معرفت و مسئولیت‌پذیری انسان در قبال باورهایش از منظر دینی است. همچنین هدف آن، ارائه چارچوبی برای نقد رذایل معرفتی، همچون تعصب، شتاب‌زدگی در ارزیابی و سطحی‌نگری، از منظر قرآن است.

این تحقیق، از روش «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار»^۱ استفاده می‌کند. در این روش، برخلاف رویکرد استقرایی محض، یک چارچوب نظری اولیه (در اینجا مفاهیم «رذیلت معرفتی»، «مسئولیت معرفتی» و «وظیفه‌شناسی معرفتی» از معرفت‌شناسی فضیلت مسئولیت‌گرا) به عنوان ابزار حساس‌کننده به کار می‌رود؛ اما متن قرآن مجاز است این چارچوب را تأیید، اصلاح یا رد کند. به عبارت دیگر، نظریه راهنمای تحلیل است، نه قالبی تحمیلی.

جامعه آماری پژوهش، همه آیات قرآن کریم است که مشتقات ریشه «ج ه ل» در آن‌ها به کار رفته است. برای شناسایی این آیات، نخست همه مشتقات این ریشه در سراسر قرآن استخراج شد. نتیجه این جست‌وجو، شناسایی ۲۴ آیه بود. بنابراین، پژوهش از نوع تمام‌شماری (سرشماری) است و نیازی به نمونه‌گیری ندارد. واحد تحلیل، هر یک از این ۲۴ آیه، همراه با سیاق آیات و تفاسیر معتبر آن‌هاست.



پژوهش حاضر به تحلیل آیات بسنده نکرده، بلکه برای نشان دادن پیوستگی معنایی میان قرآن و سنت، روایات مرتبط با «عقل و جهل» را نیز در چارچوبی مشابه بررسی کرده است. منبع اصلی روایی، کتاب «العقل و الجهل» از اصول کافی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰-۲۹) است که مشتمل بر ۳۶ روایت است. این روایات‌ها از آن جهت انتخاب شدند که، اولاً، به‌طور مستقیم به مفهوم «جهل» و نقطه مقابل آن، یعنی «عقل»، می‌پردازند و در منابع کهن و معتبر امامیه نقل شده‌اند و، ثانیاً، در بسیاری از موارد، شرح و بسط‌دهنده مفاهیم قرآنی هستند.

جامعه آماری روایی نیز به‌صورت تمام‌شماری در نظر گرفته شده و همه روایات این کتاب تحلیل شده‌اند. واحد تحلیل، در این بخش، هر یک از ۳۶ روایت، همراه با شروح معتبر آن‌هاست.

از چارچوب مفهومی «معرفت‌شناسی فضیلت مسئولیت‌گرا»، به‌ویژه مفاهیم «فضیلت معرفتی»، «رذیلت معرفتی»، «مسئولیت معرفتی» و «وظیفه‌شناسی معرفتی»، به‌عنوان ابزار تحلیل استفاده شده است. برای جلوگیری از تحمیل نظریه بر متن، فرایند تحلیل، برای هر آیه و هر روایت، در سه مرحله و به‌صورت مجزا انجام شده است:

۱. کدگذاری آزاد (بدون پیش‌فرض نظری): نخست آیه (یا روایت) و سیاق آن، بدون در نظر گرفتن مفاهیم معرفت‌شناسی فضیلت، بررسی می‌شود و مشخص می‌گردد که چه رفتار، فکر یا گفتاری، به‌صراحت یا به قرینه، به‌عنوان «جهل» برچسب خورده است.

۲. کدگذاری نظری با ابزار حساس‌کننده: در این مرحله پرسیده می‌شود: «کدام یک از مفاهیم معرفت‌شناسی فضیلت (تعصب، تکبر، سهل‌انگاری، شتاب‌زدگی و...) می‌تواند توصیف‌گر این کاستی در عاملیت معرفتی باشد؟»

۳. استنباط فضیلت مقابله‌گر: با توجه به رذیلت شناسایی شده، این پرسش مطرح می‌شود که: «کدام فضیلت معرفتی (خضوع در برابر شواهد، تواضع معرفتی، شکیبایی، ارزیابی نقادانه و...) می‌تواند مانع از بروز این جهل شود یا آن را درمان کند؟»

برای جلوگیری از تفسیرهای سلیقه‌ای و تحمیل نظریه، هرگاه تفسیری غیربدیهی از آیه ارائه شده، دست‌کم به دو منبع تفسیری معتبر ارجاع داده شده است. در بخش روایات نیز به شرح‌های معتبر اصول کافی استناد شده است. در موارد اختلاف تفسیری، قرائت پذیرفته‌شده این پژوهش، همراه با دلیل انتخاب آن، بیان شده است.

این پژوهش صرفاً به بررسی مشتقات جهل در قرآن و روایات کتاب کافی محدود است و تعمیم یافته‌های آن به نظریه عمومی معرفت در قرآن، نیازمند پژوهشی مستقل درباره آیات علم، عقل، حکمت، بصیرت و تدبر است.

یافته‌های این پژوهش در دو بخش مجزا ارائه می‌شوند: بخش نخست، تحلیل ۲۴ آیه با دسته‌بندی انواع جهل و استخراج رذایل و فضایل متناظر؛ و بخش دوم، تحلیل ۳۶ روایت با همان روش و سپس مقایسه آن با یافته‌های قرآنی. در پایان نیز هم‌افزایی یافته‌های قرآنی و روایی، در قالب یک جمع‌بندی، ارائه خواهد شد.

۴- چارچوب نظری

اکنون به معرفی چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود که ابزار مفهومی لازم برای تحلیل آیات و روایات را فراهم می‌آورد. پیش از هر چیز، لازم است معرفت‌شناسی فضیلت و مسائل بنیادین آن معرفی شود.

۴-۱- بحران تعریف سه‌وجهی معرفت و معرفت‌شناسی فضیلت معاصر (گذار از باور به عامل معرفتی)

برای درک ظهور «معرفت‌شناسی فضیلت» به‌عنوان پارادایمی جدید، نخست باید با بحرانی آشنا شد که مقاله ادموند گتیه^۱ در سال ۱۹۶۳ برای تعریف کلاسیک معرفت پدید آورد. قرن‌ها تعریف سه‌وجهی افلاطون از معرفت، یعنی «معرفت = باور صادق موجه»، به‌عنوان تعریف معیار معرفت پذیرفته شده بود (نیدیچ، ۱۹۸۳، ص ۱۷)، اما ادموند گتیه با ارائه دو مثال نقض ابتکاری نشان داد که این سه شرط، اگرچه لازم‌اند، برای تعریف دقیق معرفت کافی نیستند؛ زیرا در هر دو مثال، شخص دارای باوری صادق و موجه است، اما به نظر نمی‌رسد که واجد معرفت باشد (گتیه، ۱۹۶۳).

نخستین مثال گتیه، مثال «شغل و سکه» است. اسمیت و جونز هر دو برای استخدام در شرکتی مراجعه کرده‌اند. اسمیت به‌طور موجه باور دارد که:

(الف) جونز شغل را خواهد گرفت؛

(ب) جونز ده سکه در جیب دارد.

بنابراین، او به‌طور موجه نتیجه می‌گیرد که:

(ج) «کسی که شغل را به دست می‌آورد، ده سکه در جیب دارد.»

اما برخلاف انتظار، خود اسمیت استخدام می‌شود، در حالی که او نیز - بی‌آنکه از آن آگاه باشد - ده سکه در جیب دارد. در نتیجه، گزاره (ج) صادق است و باور اسمیت به آن نیز موجه است، اما نمی‌توان گفت که او واقعاً می‌داند گزاره (ج) صادق است.

دومین مثال گتیه، مثال «فور و براون» است. اسمیت به‌طور موجه باور دارد که:

(الف) «جونز صاحب یک فور است.»

او سپس سه گزاره منفصل تشکیل می‌دهد:

(ب) «یا جونز صاحب فور است یا براون در بوستون است»؛

(پ) «یا جونز صاحب فور است یا براون در بارسلونا است»؛



(ت) «یا جونز صاحب فورد است یا براون در برست‌لیتوفسک است.»

اسمیت به هر سه گزاره باور موجه دارد، اما در واقع، گزاره (الف) نادرست است و جونز صاحب فورد نیست؛ با این حال، به‌طور اتفاقی، براون واقعاً در بارسلونا است. از این‌رو، گزاره (پ) صادق است و باور اسمیت به آن نیز موجه است، اما باز هم نمی‌توان گفت که او می‌داند این گزاره صادق است. این مثال‌ها نشان داد که «توجیه»^۱ به‌تنهایی نمی‌تواند میان «باور صادق موجه مبتنی بر شانس» و «معرفت واقعی» تمایز ایجاد کند. این مسئله که به «مسئله گتیه» شهرت یافت، بیش از شش دهه معرفت‌شناسان را به تلاش برای ارائه تعریفی از معرفت واداشته است که در برابر چنین نقض مثال‌هایی مقاوم باشد.^۲

۴-۲- ظهور معرفت‌شناسی فضیلت، به‌مثابه یک پارادایم جدید

در پاسخ به بن‌بست‌های ایجادشده توسط مسئله گتیه و پیچیدگی‌های فزاینده تبیین «توجیه»، گروهی از فیلسوفان، پیشنهاد کردند که به جای تمرکز صرف بر شرایط باور، باید بر «فضایل فکری»^۳ عامل معرفتی تمرکز شود. به بیان دیگر، جهت تحلیل معکوس شد؛ بدین معنا که به جای تعریف معرفت و سپس استنتاج فضایل از آن، ابتدا فضایل فکری شناسایی شدند و سپس معرفت بر اساس آن‌ها تعریف شد (زاگزبسکی، ۱۹۹۶، ص ۱۲). این «چرخش فضیلت‌گرایانه» به ظهور پارادایم «معرفت‌شناسی فضیلت» انجامید. این پارادایم به دو شاخه اصلی، یعنی «فضیلت‌گرایی قابلیت‌گرا» و «فضیلت‌گرایی مسئولیت‌گرا» تقسیم می‌شود (باتالی، ۲۰۱۲).

۴-۲-۱- جریان اعتمادگرا: «ارنست سوسا» و معرفت به‌مثابه باور صادق ناشی از فضیلت

ارنست سوسا، به‌عنوان پیشگام و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های معرفت‌شناسی فضیلت مدرن شناخته می‌شود. وی در مقاله کلیدی خود با عنوان «قایق و هرم: انسجام‌گرایی در برابر مبنای‌گرایی در نظریه معرفت»، استدلال کرد که هر دو نظریه مبنای‌گرایی^۴ و انسجام‌گرایی^۵ در تبیین ساختار معرفت بشری با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. از این‌رو، پیشنهاد کرد که معرفت بر اساس «فضایل فکری» تعریف شود (سوسا، ۱۹۸۰). سوسا، فضیلت فکری را نوعی قابلیت شناختی معتبر یا استعدادی برای دستیابی به صدق می‌داند. از نظر او، فضایل فکری، همان توانایی‌های ذاتی یا اکتسابی انسان، مانند بینایی، حافظه و قوه استدلال استقرایی اند که در شرایط عادی قابل اعتماد بوده و معمولاً به باورهای صادق می‌انجامند. بر این اساس، معرفت، باور صادقی است که از کاربست این فضایل فکری حاصل شده باشد (سوسا، ۱۹۸۰، ص ۲۳). این دیدگاه، رویکردی اعتمادگرا محسوب می‌شود؛ زیرا بر قابلیت اعتماد فرایندهای شناختی پایه تأکید دارد.

1. Justification

۲. برای مرور تحولات معرفت‌شناسی از اواسط دهه ۱۹۷۰، ر.ک: پریور، ۲۰۰۱، صص ۹۵-۱۲۴.

3. Intellectual virtues

4. Foundationalism

5. Coherentism

سوسا در آثار بعدی خود، این نظریه را با تمایز میان «معرفت حیوانی»^۱ که مبتنی بر کارکرد خودکار و قابل اعتماد فضایل است و «معرفت تأملی»^۲ که مستلزم درک و توجیه سطح بالاتری از چرایی اعتماد به این فضایل است، بسط داد (سوسا، ۱۹۹۱، ص ۲۷۴). از این رو، دیدگاه او بیشترین قرابت را با رویکردهای برون‌گرایانه دارد و بر قابلیت اعتماد فضایل شناختی تأکید می‌ورزد.

۴-۲-۲- جریان مسئولیت‌گرا: «کد»، «مونتمارکوئت» و «زاگزبسکی» و معرفت به مثابه عمل فضیلت‌مدارانه

در مقابل رویکرد اعتماد‌گرای سوسا، فیلسوفانی همچون لورین کد، جیمز مونتمارکوئت و لیندا زاگزبسکی بر مسئولیت‌پذیری، عاملیت و منش عامل معرفتی تأکید کردند. از نظر آنان، فضایل فکری نه صرفاً قوای طبیعی، بلکه خصلت‌ها و ملکات اکتسابی‌اند که ریشه در شخصیت و مسئولیت‌پذیری فاعل شناسا دارند. این فضایل، بیش از آنکه استعداد‌های ذاتی باشند، به فضایل اخلاقی شباهت دارند و شامل انگیزه‌ها، گرایش‌ها و تمایلات پایداری برای جست‌وجوی حقیقت و پرهیز از خطا هستند (اشرف عدیل، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶).

لورین کد استدلال کرد که معرفت‌شناسی باید بر مسئولیت معرفتی عامل معرفتی متمرکز باشد. وی بر نقش فعال فاعل شناسا در انتخاب‌های شناختی و پاسخ‌گویی او در برابر خود و جامعه تأکید می‌کند و مسئولیت‌پذیری را فضیلت بنیادین معرفتی می‌داند. همچنین، با تأکید بر ماهیت اجتماعی معرفت، معتقد است معرفت‌شناسی نمی‌تواند صرفاً فردگرایانه باشد، بلکه باید بافت اجتماعی تولید معرفت را نیز در نظر بگیرد (کد، ۱۹۸۷، ص ۵۰-۵۱).

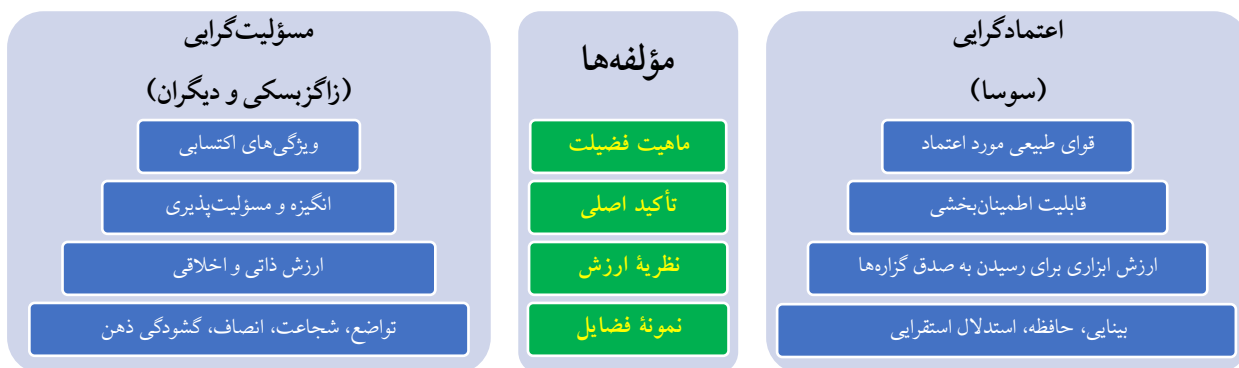
جیمز مونتمارکوئت نیز فضایل فکری را به عنوان فضایل منش تعریف می‌کند که هر حقیقت‌جویی خواهان برخورداری از آنهاست. وی «وظیفه‌شناسی فکری»^۳ را فضیلت بنیادی می‌داند؛ فضیلتی که میل به حقیقت را سامان می‌دهد و مبنای شکل‌گیری فضایل دیگری همچون انصاف، اعتدال و شجاعت فکری است (مونتمارکوئت، ۱۹۹۳، ص ۲۱).

در نهایت، لیندا زاگزبسکی، نظریه‌ای یکپارچه درباره فضایل اخلاقی و معرفتی ارائه کرد. او با هم‌سنخ دانستن فضایل اخلاقی و معرفتی، معرفت را «حالتی از تماس شناختی با واقعیت که از کاربست فضیلت فکری حاصل می‌شود» تعریف می‌کند (زاگزبسکی، ۱۹۹۶، ص ۲۷۰). از دیدگاه او، فضایل فکری، عادت‌های اکتسابی موفق هستند که انسان را به اهداف معرفتی، مانند دستیابی به حقیقت، رهنمون می‌شوند. برای نمونه، انصاف فکری، آمیزه‌ای از انگیزه عشق به حقیقت و موفقیت قابل اعتماد در رسیدن به

1. Animal knowledge
2. Reflective knowledge
3. Intellectual conscientiousness

باورهای صادق است. بر این اساس، معرفت از باور صادق تصادفی متمایز می‌شود؛ زیرا محصول عمل فضیلت‌مندانه است و از ارزش معرفتی افزوده برخوردار است.

نمودار ۱- تمایزات کلیدی دو رویکرد اعتمادگرایی و مسئولیت‌گرایی در معرفت‌شناسی فضیلت



۴-۳- وظیفه‌شناسی معرفتی: محور مشترک خوانش مسئولیت‌گرا

وجه مشترک همه نظریه‌های مسئولیت‌گرا، تأکید بر «وظیفه‌شناسی معرفتی»^۱ است. این مفهوم، همسو با وجدان اخلاقی، به معنای تلاش صادقانه، مسئولانه و خیرخواهانه برای شکل‌دهی، حفظ و بازبینی باورها بر اساس شواهد^۲ و هنجارهای عقلانی است. کوتاهی در انجام این وظیفه، به شکل‌گیری رذایل معرفتی^۳ و در نهایت، جهل مذموم و مستوجب سرزنش می‌انجامد.

با توجه به کاربردهای واژه «جهل» در سیاق‌ها و زمینه‌های گوناگون قرآن، به نظر می‌رسد قرآن کریم جهل را نه صرفاً حالتی انفعالی، یعنی فقدان دانش، بلکه شکستی فعال در عاملیت معرفتی انسان می‌داند که غالباً با رذایل اخلاقی - معرفتی همراه است. بنابراین، خوانش مسئولیت‌گرا، که بر نقش انگیزه‌ها، مسئولیت‌پذیری و فضایل رفتاری تأکید دارد، برای تحلیل مفهوم قرآنی جهل، نسبت به خوانش صرف قابلیت‌گرا که بر قابلیت اعتماد فرایندهای شناختی پایه تأکید می‌کند، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. بر این اساس، قرآن به‌طور ضمنی فرض می‌گیرد که انسان از نوعی وجدان معرفتی یا وظیفه‌شناسی فکری برخوردار است؛ ظرفیتی که می‌تواند و باید آن را به کار گیرد و در قبال عملکرد آن مسئول باشد. این چارچوب نظری ابتدا بر ۲۴ آیه مشتقات «جهل» و سپس بر ۳۶ روایت کتاب «العقل و الجهل» اصول کافی تطبیق داده می‌شود تا نشان داده شود که جهل، در قرآن و روایات، بیش از آنکه فقدان ساده در حوزه اطلاعات باشد، رذیلتی معرفتی و مسئولیت‌محور است.

1. Epistemic conscientiousness
2. Evidence
3. Epistemic vices

۵- یافته‌ها

۱-۵- تحلیل آیات مشتقات جهل و استنباط فضایل معرفتی

در این بخش، آیاتی بررسی می‌شوند که مشتقات ریشه «جهل» در آن‌ها برای توصیف حالت‌های مذموم شناختی به کار رفته است. تحلیل این آیات در دو سطح انجام می‌شود: الف) سطح محتوایی؛ شامل شناسایی مصداق جهل در آیه و ردیلت معرفتی منشأ آن و ب) سطح هستی‌شناختی؛ شامل تبیین اینکه جهل در هر دسته، ناظر به کدام ساحت از واقعیت است؛ مانند مصداق، مفهوم، موضع‌گیری نسبت به حقیقت، روش یا انگیزه.

برای دستیابی به تحلیلی دقیق‌تر، آیات بر اساس اشتراک در ردیلت معرفتی غالب و نوع خطای شناختی، در هشت گروه دسته‌بندی شده‌اند. در این پژوهش، ملاک اصلی این دسته‌بندی، ردیلت معرفتی غالب و نوع خطای شناختی است، نه ساحت هستی‌شناختی جهل. از این جهت، ساحت هستی‌شناختی که در پایان تحلیل هر دسته بیان می‌شود، صرفاً نشان می‌دهد که خطای معرفتی مورد بحث، ناظر به کدام بُعد از واقعیت است؛ مانند خطا در روش دستیابی به معرفت، خطا در داوری و ارزش‌گذاری، خطا در انگیزش یا خطا در فهم هویت و مفاهیم. بنابراین، ساحت‌های هستی‌شناختی، حاصل تحلیل محتوایی آیات‌اند، نه معیار نخستین دسته‌بندی آن‌ها؛ از این رو، ممکن است یک آیه از برخی جهات با بیش از یک ساحت ارتباط داشته باشد، هرچند بر اساس ردیلت معرفتی غالب، در یک دسته قرار گیرد. جدول (۱) تعریف عملیاتی این ساحت‌ها را ارائه می‌کند.

جدول ۱- تعریف عملیاتی ساحت‌های هستی‌شناختی جهل در این پژوهش

تعریف عملیاتی	ساحت هستی‌شناختی
خطا در موضع‌گیری در برابر حقیقتی که شواهد آن آشکار است؛ مانند امتناع از پذیرش حق.	ساحت موضع‌گیری نسبت به حقیقت
خطا در شیوه تحصیل یا ارزیابی معرفت؛ مانند تقلید یا پذیرش خبر بدون تحقیق.	ساحت روش
خطا در ارزیابی اشخاص، اعمال یا پدیده‌ها بر اثر تعصب، ظاهرگرایی یا جانبداری.	ساحت قضاوت و ارزش‌گذاری
خطا در تصور از حقیقت انسان، خدا، ارزش‌ها یا مفاهیم بنیادین.	ساحت هویت و مفهوم
خطایی که منشأ آن غلبه هیجان، شهوت، ترس، یا انگیزه‌های غیرعقلانی بر داوری است.	ساحت انگیزه
مواردی که جهل، حاصل ترک مراقبت، غفلت یا کوتاهی در انجام وظیفه معرفتی است.	ساحت مسئولیت

توجه به این نکته ضروری است که برخی آیات، ممکن است در مرز میان دو دسته قرار گیرند؛ در آن موارد، قرائت تفسیری با ذکر دلیل انتخاب شده است.

۱-۱-۵- دسته نخست: جهل امتناعی (مقاومت در برابر حقیقت)

این نوع جهل، ناشی از امتناع آگاهانه و تعصب‌آمیز در پذیرش حقیقت، با وجود مواجهه با شواهد روشن است. از این رو، جهل امتناعی را می‌توان نوعی «اراده معطوف به نادانی» دانست. آیات زیر به این نوع جهل اشاره دارند:

﴿وَلَوْ أَنَّا زُلْنَا إِلَىٰ آلِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لَيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ﴾ (انعام: ۱۱۱).

﴿قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (احقاف: ۲۳).

﴿قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ (زمر: ۶۴).

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَن أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ (بقره: ۶۷).

سطح هستی‌شناختی: در این دسته، جهل در ساحت موضع‌گیری نسبت به حقیقت قرار دارد؛ یعنی فرد، حقیقت را درمی‌یابد، اما از پذیرش آن سر باز می‌زند. مصادیق این جهل در آیات یادشده، امتناع از ایمان، اصرار بر شرک با وجود دلایل روشن و معجزات، و نیز بدگمانی ناروا نسبت به خداوند است.

در آیه نخست، اوج لجابت و تعصب معرفتی مشرکان به تصویر کشیده شده است؛ به گونه‌ای که حتی نزول فرشتگان، سخن گفتن مردگان و گرد آمدن همه نشانه‌های آشکار نیز آنان را به ایمان و انمی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۱۲). در آیه دوم، پیامبر خدا ﷺ در مقابل درخواست‌های نامعقول مشرکان قرار گرفته و از اینکه آنها با وجود دیدن نشانه‌های روشن، همچنان دنبال نشانه‌های دیگری هستند، دل‌آزرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۳۶). در آیه سوم نیز پیامبر اکرم ﷺ از درخواست مشرکان مبنی بر پرستش غیر خدا، با وجود آشکار بودن بطلان آن، اظهار شگفتی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۹۰). در آیه چهارم، بنی اسرائیل با وجود آگاهی از ارتباط حضرت موسی ﷺ با وحی، فرمان الهی درباره ذبح گاو را به تمسخر حمل می‌کنند؛ برداشتی که برخاسته از پیش‌داوری و سوءفهم آنان است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸۶).

در این آیات، جهل صرفاً به معنای ناآگاهی نیست، بلکه نوعی مقاومت آگاهانه در برابر حقیقت است. عامل معرفتی، تحت تأثیر پیش‌فرض‌های نادرست، تعصبات یا منافع شخصی، نسبت به شواهد روشن بی‌اعتنا می‌شود. در برابر این رذیلت، فضیلت تمکین در برابر شواهد قرار دارد؛ فضیلتی که فاعل شناسا را ملزم می‌کند در پرتو شواهد معتبر، باورهای پیشین خود را بازنگری و در صورت لزوم اصلاح کند (بائر، ۲۰۱۲، ص ۶۵). بر این اساس، مهم‌ترین رذایل معرفتی این دسته عبارت‌اند از: تعصب، انعطاف‌ناپذیری

ذهنی، شرطی شدگی با پیش فرض های نادرست و فقدان تواضع معرفتی؛ و فضایل متناظر آنها نیز شامل تمکین در برابر شواهد، گشودگی ذهن (تمایل فعال به شنیدن دیدگاه ها و استدلال های مخالف) و تواضع معرفتی (پذیرش محدودیت های معرفتی و امکان خطا) است.

۵-۱-۲- دسته دوم: جهل تقلیدی (شکست در ارزیابی نقادانه)

این جهل تقلیدی، حاصل پیروی غیرنقدانه از سنت ها، عادت ها یا گفتار دیگران، بدون اندیشه و بررسی است. آیات زیر ناظر به این نوع جهل اند:

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۸).

﴿يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (آل عمران: ۱۵۴).

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ (فتح: ۲۶).

سطح هستی شناختی: در این دسته، جهل در ساحت روش دستیابی به معرفت قرار دارد؛ بدین معنا که فرد، به جای تحقیق و ارزیابی نقادانه، از دیگران تقلید می کند.

در آیه نخست، بنی اسرائیل اندکی پس از نجات معجزه آسا از فرعون، با مشاهده قومی بت پرست، بدون هیچ تأملی از حضرت موسی علیه السلام درخواست می کنند برای آنان نیز معبودی همانند بت های آن قوم قرار دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۲۷). آیه دوم، منافقان را پس از جنگ احد توصیف می کند که بر اثر نگرش های جاهلی، درباره خداوند گمان های نادرست پیدا کرده بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۳). آیه سوم نیز به ماجرای صلح حدیبیه اشاره دارد؛ جایی که تعصب قبیله ای مشرکان، آنان را از پذیرش حق و تشخیص مصلحت بازداشت (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۷۴).

در این آیات، مهم ترین مصادیق جهل عبارت اند از: تقلید کورکورانه، گمان های باطل و تعصب جاهلی. رذایل معرفتی متناظر با این رفتارها شامل سهل انگاری معرفتی، فقدان تفکر انتقادی، داوری شتاب زده و مسئولیت ناپذیری در قبال باورهاست. در مقابل، فضایل معرفتی قابل استنباط از این آیات عبارت اند از: تأمل انتقادی، احتیاط معرفتی، استقلال فکری و وظیفه شناسی معرفتی.

۵-۱-۳- دسته سوم: جهل تعصبی (داوری بر اساس هوای نفس و ظواهر)

این نوع جهل زمانی رخ می دهد که تمایلات نفسانی، تعصبات یا ملاک های ظاهری، جایگزین معیارهای عقلانی و عادلانه در داوری شوند. آیات زیر ناظر به این گونه از جهل اند:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ﴾ (مائده: ۵۰).

﴿وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ (هود: ۲۹).

﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ (هود: ۴۶).

سطح هستی‌شناختی: این دسته، جهل در ساحت قضاوت و ارزش‌گذاری است؛ بدین معنا که فرد میان ظاهر و باطن تمایز نمی‌گذارد و داوری خود را بر پایه معیارهای نادرست سامان می‌دهد.

آیه نخست خطاب به پیامبر ﷺ است که میان برخی از گروه‌ها، که احتمالاً هنوز تحت تأثیر تعصبات قبیله‌ای بودند، قضاوت کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۵۶). «حکم الجاهلیة» به معنای قضاوت بر مبنای عادات، تعصبات قومی و هواهای نفسانی، نه معیارهای الهی و عادلانه است. این آیه نشان می‌دهد که جهل، تنها یک کاستی نظری نیست، بلکه در عرصه داوری و عمل نیز ظهور می‌یابد.

در آیه دوم، سران متکبر قوم نوح ﷺ، پیروان مؤمن او را، که عمدتاً از طبقات فرو دست جامعه بودند، خوار می‌شمارند و ایمان آنان را بی‌ارزش تلقی می‌کنند. حضرت نوح ﷺ این نگرش را ناشی از جهل می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۳۶). در اینجا، تکبر برخاسته از ثروت و جایگاه اجتماعی، مانع شناخت کرامت حقیقی انسان‌ها شده و به داوری نادرست انجامیده است؛ نوعی ناپییبایی معرفتی که از نظام ارزش‌گذاری ناصحیح سرچشمه می‌گیرد (ویتکامب، ۲۰۱۷، ص ۵۱۷).

در آیه سوم نیز خداوند حضرت نوح ﷺ را از درخواست نجات فرزندش، صرفاً بر اساس پیوند نسبی، باز می‌دارد و او را از قرار گرفتن در شمار جاهلان بر حذر می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۳۷). مصادیق جهل در این آیات، حکم جاهلی، تکبر در داوری و جانبداری خویشاوندی است. رذایل معرفتی هوای نفس، خودمحوری، تکبر معرفتی و فقدان انصاف در این دسته مشاهده می‌شود؛ بر این اساس، فضایل مقابله‌کننده با آنها عبارت‌اند از: بی‌طرفی، انصاف فکری، تواضع معرفتی و داوری بر اساس معیارهای عقلانی.

در کنار آیات این دسته، آیه ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ﴾ (بقره: ۲۷۳) نیز قرار دارد که از یک جهت می‌توان آن را مصداق داوری بر اساس ظاهر دانست. با این حال، بیشتر مفسران، از جمله علامه طباطبایی، این آیه را ناظر به جهل مصداقی، یعنی ناآگاهی صرف از واقعیت، دانسته‌اند و آن را متضمن نکوهش اخلاقی مستقیم نمی‌شمارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۹۹). بنابراین، هرچند می‌توان از منظر معرفت‌شناسی معاصر آن را نوعی قضاوت ظاهر بینانه تلقی کرد، اما چون قرآن این وضعیت را به‌عنوان رذیلت معرفتی نکوهش نکرده، باید آن را موردی مرزی دانست که خارج از دسته‌بندی جهل‌های مذموم این پژوهش قرار می‌گیرد.

۵-۱-۴- دسته چهارم: جهل روشی (نادیده گرفتن اصول صحیح کسب معرفت)

این دسته به آیاتی اختصاص دارد که در آنها جهل، حاصل به‌کارگیری روش نادرست در کسب معرفت است. آیه زیر بیانگر این نوع جهل است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ﴾ (حجرات: ۶).

سطح هستی‌شناختی: جهل در ساحت روش است؛ یعنی فرد، به جای تحقیق و بررسی، خبر را بدون ارزیابی می‌پذیرد.

این آیه، یکی از مهم‌ترین قواعد معرفتی - اخلاقی قرآن را بیان می‌کند. بر اساس آن، پذیرش بی‌تحقیق خبر از منبعی غیر موثق، می‌تواند به تصمیم نادرست و ظلم به دیگران بینجامد؛ چنین رفتاری «جهالت» نامیده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۲). در اینجا، مصداق جهل، اعتماد شتاب‌زده به اخبار و اقدام بر اساس اطلاعات بررسی‌نشده است. ردیلت معرفتی متناظر با آن، سهل‌انگاری معرفتی و فقدان مسئولیت‌پذیری در قبال باورهاست و فضایل مقابله‌کننده با آن نیز تبیین، احتیاط معرفتی و تحقیق و بررسی است.

۵-۱-۵- دسته پنجم: جهل هویتی (خطاهای انسان‌شناختی)

این نوع جهل ناظر به خطا در فهم ماهیت، کرامت ذاتی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های وجودی انسان، یا برداشت نادرست از خداوند و نظام ارزش‌هاست. دو آیه زیر در این دسته قرار می‌گیرند:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب: ۷۲).

﴿وَقَرْنٍ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب: ۳۳).

سطح هستی‌شناختی: جهل در ساحت مفهوم و هویت است؛ یعنی فرد، شناخت درستی از خود، خدا یا نظام ارزش‌ها ندارد.

در آیه نخست، پذیرش امانت الهی از سوی انسان مطرح شده است. مفسران در تفسیر «جهول» دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ برخی آن را بیانگر شدت جهل و برخی ناظر به ظلم انسان نسبت به خویش در پذیرش مسئولیتی سنگین دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۵۰). تحلیل حاضر نیز تنها یکی از قرائت‌های ممکن از آیه است.

در آیه دوم، خطاب به همسران پیامبر ﷺ، از «تبرج جاهلیت» نهی شده است. تبرج، به معنای خودنمایی و آشکار ساختن زینت‌ها به گونه‌ای است که کرامت و حرمت زن را مخدوش می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸). قرآن این رفتار را از ویژگی‌های فرهنگ جاهلی می‌شمارد؛ زیرا بر نوعی خودشناسی تحریف‌شده و ارزش‌گذاری نادرست استوار است؛ به گونه‌ای که انسان ارزش خود را در جلب توجه دیگران می‌جوید، نه در کرامت ذاتی و تقوای الهی.

در این دسته، مصادیق جهل عبارت‌اند از: پذیرش امانت الهی بدون درک کامل پیامدهای آن و رفتارهای برخاسته از خودشناسی تحریف‌شده، مانند تبرج جاهلی. بر این اساس، فقدان خودشناسی واقع‌بینانه و خودکم‌بینی یا خودبزرگ‌بینی کاذب، از مهم‌ترین رذایل معرفتی این بخش به شمار می‌روند. فضایل مقابله‌کننده نیز خودشناسی معرفتی، احترام به کرامت ذاتی انسان و شناخت صحیح توانایی‌ها و محدودیت‌های خویش است؛ فضایی که مبنای تصمیم‌گیری عقلانی و مسئولانه را فراهم می‌آورند.

۵-۱-۶- دسته ششم: جهل انگیزشی (غلبه جهت‌گیری‌های انگیزشی بر تشخیص حقیقت)

این نوع جهل، زمانی رخ می‌دهد که جهت‌گیری‌های انگیزشی فرد، مانند شهوات، امیال نفسانی، حسادت یا حتی خیرخواهی افراطی، بر عقل و تشخیص حقیقت غلبه کند و او را از داوری واقع‌بینانه و منصفانه بازدارد. آیات این دسته را می‌توان در دو زیرگروه بررسی کرد.

۵-۱-۶-۱- جهل انگیزشی شهوانی (غلبه امیال و شهوات)

آیات زیر در این گروه جای می‌گیرند:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَصْحَابُ الْيَمِينِ وَأَكُنْ مِنَ الْبَاطِلِينَ﴾ (یوسف: ۳۳).

﴿أَتُنْكُمُ اللَّاتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (نمل: ۵۵).

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ يُّوسُفُ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ﴾ (یوسف: ۸۹).

سطح هستی‌شناختی: جهل در ساحت انگیزه است؛ بدین معنا که فرد، با وجود تشخیص درست، بر اثر غلبه شهوت یا هیجانات نفسانی مذموم عمل می‌کند. آیه نخست به ماجرای درخواست نامشروع همسر عزیز مصر از حضرت یوسف علیه السلام و خودداری او از تن دادن به این خواسته نامشروع اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۲۷۵). آیه دوم نیز به تمایل قوم لوط به تمتع جنسی از هم‌جنسان خود اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۷، ص ۳۵۶). آیه سوم به رفتار برادران حضرت یوسف علیه السلام اشاره می‌کند که او را در چاه افکندند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۲۵۳). در این آیات، مصادیق جهل، تسلیم شدن در برابر شهوات و عمل تحت تأثیر هیجان‌های منفی، مانند حسادت، است. رذایل معرفتی مستخرج از این آیات شامل فقدان خویشتن‌داری و عفت است. در مقابل، فضایل معرفتی مقابله‌کننده با این رذایل، خویشتن‌داری، عفت و تعقل است.

۵-۱-۶-۲- جهل انگیزشی خیرخواهانه (غلبه شوق هدایت بر صبر و تسلیم)

آیه زیر مصداق این نوع از جهل است:

﴿وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ (انعام: ۳۵).

سطح هستی‌شناختی: جهل در این آیه نیز در ساحت انگیزه قرار دارد؛ اما برخلاف زیرگروه پیشین، انگیزه مورد نظر نه شهوت یا هوای نفس، بلکه شوق خیرخواهانه است. با این حال، این شوق، اگر با صبر و تسلیم همراه نباشد، به بی‌تابی می‌انجامد که خود نوعی نقص در سعه صدر محسوب می‌شود.

این آیه، هرچند از جهت غلبه یک جهت‌گیری انگیزشی بر تشخیص درست، با آیات پیشین شباهت دارد، اما از نظر محتوایی تفاوتی اساسی با آنها دارد. در اینجا، انگیزه‌ای که بر تشخیص حقیقت غلبه می‌کند، نه شهوت یا حسادت، بلکه شوق خیرخواهانه برای هدایت مردم است. با این حال، این شوق خیرخواهانه، اگر با صبر و تسلیم در برابر اراده الهی همراه نباشد، می‌تواند به بی‌تابی و ناامیدی بینجامد که با مقام پیامبر سازگار

نیست. تعبیر «فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» در اینجا، نهی ای تربیتی است و نشان می دهد دامنه مفهوم جهل در قرآن، فراتر از رذایل اخلاقی - معرفتی است و گاه به معنای «نارسایی در سعه صدر» نیز به کار می رود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۷۵). در این آیه، خداوند پیامبر ﷺ را از احساس ناامیدی و بی تابی برای هدایت سریع همه مردم بر حذر می دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۸). این بی تابی، که ناشی از شوق خیرخواهانه، اما بدون در نظر گرفتن همه ابعاد قضیه، از جمله اراده الهی و اختیار انسان است، نوعی جهل شمرده شده است. بنابراین، این آیه را باید نوعی نقص در سعه صدر به شمار آورد که، اگرچه مذموم است، از جنس رذایل اخلاقی شهبوانی نیست. فضیلت مقابله گر با این نوع جهل نیز شکیبایی معرفتی و سعه صدر است.

۵-۱-۷- دسته هفتم: جهل غفلت آمیز (سهل انگاری در مسئولیت معرفتی)

این آیات با دسته های پیشین اندکی متفاوت اند. آیات این گروه، اگرچه در نگاه نخست به غفلت به عنوان عامل گناه اشاره می کنند، اما با تحلیل دقیق تر، اراده و مسئولیت انسان در وقوع این غفلت آشکار می شود. در این آیات، جهل نه به معنای ناتوانی ذهنی یا فقدان غیرارادی دانش، بلکه به منزله حالتی از بی توجهی عامدانه و سهل انگاری در مسئولیت پذیری تفسیر می شود. فرد، با وجود امکان هوشیاری و انتخاب آگاهانه، به دلایلی مانند پیروی از هوای نفس یا کاهش مراقبت از خویش، خود را در وضعیت غفلت قرار می دهد و مرتکب گناه می شود. سه آیه زیر در این گروه جای می گیرند:

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ﴾ (نساء: ۱۷).

﴿أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (انعام: ۵۴).

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل: ۱۱۹).

سطح هستی شناختی: جهل در ساحت «مسئولیت» است؛ بدین معنا که فرد در پرورش و به کارگیری فضیلت، دچار غفلت و کوتاهی شده است. جهل در این آیات، به ارتکاب گناه بر اثر غفلت اشاره دارد و رذیلت معرفتی مستنبط از آن، سهل انگاری در مسئولیت پذیری یا بی توجهی عامدانه به وظایف است. فضیلت متناظر نیز توبه و بازگشت آگاهانه از مسیر خطاست. امکان توبه در این آیات، نه به معنای رفع مسئولیت انسان نسبت به جهل خویش، بلکه نشان دهنده مسیری برای جبران این قصور ارادی است. از منظر معرفت شناسی فضیلت، غفلت در اینجا نوعی کم کاری اخلاقی - معرفتی به شمار می رود؛ بدین معنا که فرد در پرورش و به کارگیری فضیلت، توجه و مراقبت لازم را نداشته است.

بنابراین، جهل ناشی از این غفلت، کاملاً قابل سرزنش و مستحق توبیخ است. توبه نیز در این آیات، فضیلتی فکری و عملی محسوب می شود که مستلزم بازگشت آگاهانه از مسیر غفلت و انتخاب عمدی راه اصلاح است. این آیات به روشنی نشان می دهند که چگونه جهل برآمده از غفلت، به عنوان عملی ارادی و

ناپسند، با توبه، به عنوان عملی ارادی و فضیلت‌مند، جایگزین می‌شود و مسیر انسان را به سوی معرفت باز می‌گرداند.

جدول ۲- تحلیل معرفت‌شناختی آیات مربوط به مشتقات واژه جهل

ردیف	نوع جهل	آیات مورد بحث	مصادیق جهل	ردایل معرفتی مستخرج	فضایل معرفتی مستنبط
۱	جهل امتناعی (مقاومت در برابر حقیقت)	﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَذْبَحُوا مُحَرَّمًا هَؤُلَاءِ قَالُوا أَعُودُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ بقره/۶۷ ﴿وَلَوْ أَنَّا زُنَّاتٌ لِنَظْمِ الْمُنَافِكَةِ وَكَلِمَتُهُمُ الْمَوْتَى وَخَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ﴾ انعام/۱۱۱ ﴿قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا كُنْتُمْ مِمَّنْ أُرْسِلَتْ بِهِ وَلَكِنَّكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ احقاف/۲۳ ﴿قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونَنِي أُعْتِدُ أَتِيهَا الْجَاهِلُونَ﴾ زمر/۶۴	- اصرار بر شرک علی‌رغم ارائه دلایل معجزات یا درک فطری حقیقت - ظن ناروا درباره معبود	✓ تعصب ✓ انعطاف‌ناپذیری ذهنی ✓ شرطی‌شدگی یا پیش‌فرض‌های نادرست ✓ عدم تواضع معرفتی	✓ تمکین در برابر شواهد ✓ افتتاح ذهن ✓ تواضع معرفتی
۲	جهل تقلیدی (شکست در ارزیابی نقادانه)	﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَتَّبِعُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ اعراف/۱۳۸ ﴿ثُمَّ أَوْرَثَ الْوَلَدَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَلَمَ أَنْتُمْ نَعَسَاءُ يَفْسِي طَائِفَةٌ مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِينَ﴾ آل عمران/۱۵۴ ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ فتح/۲۶	- تقلید کورکورانه - گمان‌های باطل - تعصب ناروا	✓ سهل‌انگاری معرفتی ✓ فقدان تفکر انتقادی ✓ استنتاج شتاب‌زده ✓ عدم مسئولیت‌پذیری در قبال باورها	✓ تأمل انتقادی ✓ احتیاط معرفتی ✓ استقلال فکری ✓ وظیفه‌شناسی معرفتی
۳	جهل تعصبی (داوری بر اساس هوای نفس و ظواهر)	﴿الْحَكِيمَ الْجَاهِلِيَّةَ يَتَّبِعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا يَقُومَ يُوقِنُونَ﴾ مائده/۵۰ ﴿وَمَا آتَا بِطَارِدٍ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُطَاعُونَ وَلَكِنِّي أَنَا قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ هود/۲۹ ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ نَسِيَ مِنْ أَهْلِكَ إِثْمَ عَمَلٍ غَيْرٍ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظَمُكَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ هود/۴۶ ﴿يَخْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْيَاءً مِنَ التَّعَفُّفِ﴾ بقره/۲۷۲ (مورد مرزی)	- طلب حکم جاهلی - قضاوت بر اساس ظواهر - تکبر در قضاوت - جانب‌داری از خوشاوندان	✓ هوای نفس ✓ خودمحوری ✓ تکبر معرفتی ✓ فقدان انصاف	✓ بی‌طرفی ✓ انصاف فکری ✓ تواضع معرفتی ✓ قضاوت بر اساس موازین عقلانی
۴	جهل روشی (نادیده گرفتن اصول صحیح کسب معرفت)	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِ مَا فَتَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ حجرات/۶	- اعتماد سادملوحانه به حرف دیگران - اقدام بر اساس خبر بدون تحقیق	✓ سهل‌انگاری معرفتی ✓ عدم مسئولیت‌پذیری در قبال باورها	✓ تبیین، احتیاط معرفتی ✓ تحقیق و بررسی
۵	جهل هویتی (خطاهای انسان‌شناختی)	﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ احزاب/۳۳ ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ احزاب/۷۲	- پذیرش امانت الهی (مسئولیت) بدون درک کامل تبعات آن - رفتارهای ناشی از خودشناسی تحریف‌شده	✓ فقدان خودشناسی واقع‌بینانه ✓ خودکم‌بینی	✓ خودشناسی معرفتی ✓ احترام به کرامت ذاتی خوشتن
۶	جهل انگیزشی (غلبه جهت‌گیری‌های انگیزشی بر تشخیص حقیقت)	(جهل انگیزشی خیرخواهانه: غلبه شوق و هدایت بر صبر و تسلیم): ﴿وَإِنْ كَانَ كَرِهَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ ... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعْتَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونُ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ انعام/۳۵ (جهل انگیزشی شهوانی: غلبه امیال و شهوات): ﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ يوسف/۳۳ ﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ يُوسُفُ وَأَخِي إِذْ أَتَيْتُمُ جَاهِلُونَ﴾ يوسف/۸۹ ﴿إِنْتُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النَّسَاءِ بَلْ أَشْمَ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ غل/۵۵ ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ﴾ نساء/۱۷ ﴿إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ انعام/۴۵ ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ محل/۱۱۹	- تسلیم در برابر شهوات - تأثیرپذیری از هیجانات منفی مانند حسادت - بی‌تابی - ناامیدی	✓ فقدان ✓ خوشبین‌داری ✓ فقدان عفت ✓ شکیبایی معرفتی	✓ خوشبین‌داری ✓ عفت ✓ تعقل ✓ شکیبایی معرفتی
۷	جهل غفلت‌آمیز (سهل‌انگاری در مسئولیت معرفتی)	(جهل انگیزشی خیرخواهانه: غلبه شوق و هدایت بر صبر و تسلیم): ﴿وَإِنْ كَانَ كَرِهَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ ... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعْتَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونُ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ انعام/۳۵ (جهل انگیزشی شهوانی: غلبه امیال و شهوات): ﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ يوسف/۳۳ ﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ يُوسُفُ وَأَخِي إِذْ أَتَيْتُمُ جَاهِلُونَ﴾ يوسف/۸۹ ﴿إِنْتُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النَّسَاءِ بَلْ أَشْمَ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ غل/۵۵ ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ﴾ نساء/۱۷ ﴿إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ انعام/۴۵ ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ محل/۱۱۹	- ارتکاب گناه	✓ سهل‌انگاری در مسئولیت‌پذیری ✓ بی‌توجهی عمدانه به تکالیف و وظایف	✓ امکان انتخاب توبه ✓ بازگشت از مسیر اشتباه
۸	دستورالعمل مواجهه فضیلت‌مندانه با جهل	﴿خُذْ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ اعراف/۱۹۹ ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ فرقان/۶۳ ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ قصص/۵۵	- انتخاب تقابل و درگیری در مواجهه با جاهلان - برخورد غیرصالح‌آمیز در مواجهه با جاهلان - عدم تسامح و گذشت در مواجهه با جاهلان	✓ تعصب ✓ تکبر ✓ خشم ✓ کینه ✓ لجاجت	✓ خوشبین‌داری معرفتی ✓ وقار ✓ متانت ✓ حکمت عملی

۸-۱-۵- دستورالعمل مواجهه فضیلت‌مندانه با جهل

سه آیه از مشتقات «جهل»، به بیان نوعی از جهل نمی‌پردازند، بلکه دستورالعملی برای مواجهه فضیلت‌مندانه با جاهلان ارائه می‌کنند. بر این اساس، این آیات که الگوی رفتاری صحیح در برابر جاهلان را ترسیم می‌کنند، به صورت مستقل بررسی می‌شوند:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (فرقان: ۶۳).
﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ (قصص: ۵۵).

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۹).

این آیات، هرچند به جاهلان اشاره دارند، درصدد تبیین گونه‌ای از جهل نیستند، بلکه دستورالعملی برای مواجهه فضیلت‌مندانه با آنان ارائه می‌کنند. در واقع، نوعی راهبرد کلان برای مواجهه با همه انواع جهل عرضه شده و مؤمنان به سه رفتار فضیلت‌مندانه فراخوانده شده‌اند:

- ۱- پرهیز از تقابل و درگیری؛ یعنی وارد مجادله‌های بی‌ثمر با جاهلان نشوند.
- ۲- پاسخ صلح‌آمیز؛ یعنی با رفتاری محترمانه و مسالمت‌آمیز، چرخه خشونت گفتاری و رفتاری را متوقف سازند.

۳- تسامح و گذشت؛ یعنی از خطاهای آنان درگذرند و بزرگواری پیشه کنند.

این آیات، تجلی نهایی فضایل معرفتی‌اند و دسته‌ای مستقل، اما فراتر از دسته‌های پیشین را تشکیل می‌دهند؛ زیرا به جای بیان مصادیق جهل، الگوی مواجهه با آن را ترسیم می‌کنند. این رفتارها به طور مستقیم با رذایلی همچون تعصب، تکبر، خشم، کینه و لجاجت مقابله می‌کنند. از مهم‌ترین فضایل معرفتی مستنبط از این آیات می‌توان به خویش‌داری معرفتی، وقار، متانت و حکمت عملی اشاره کرد.

۲-۵- تحلیل روایات کتاب «العقل و الجهل»/اصول کافی

برای تکمیل تحلیل قرآنی و نشان دادن پیوستگی معنایی میان قرآن و سنت، همه روایات کتاب «العقل و الجهل» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰-۲۹)، بدون حذف یا گزینش، با همان روش سه مرحله‌ای شناسایی مصداق جهل، کشف رذیلت و استنباط فضیلت بررسی شده‌اند. مهم‌ترین یافته‌های این بخش عبارت‌اند از:

۱-۲-۵- همگرایی بنیادین میان قرآن و روایات

تحلیل روایات نشان می‌دهد که هر یک از دسته‌های هفت‌گانه جهل در قرآن، پشتوانه روایی روشنی دارد. برای نمونه، «جهل امتناعی» با روایاتی همسو است که عقل را محبوب‌ترین مخلوق خداوند معرفی و جهل را در برابر آن قرار می‌دهند؛ چنان‌که در حدیث نخست این باب آمده است: «مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰). همچنین «جهل تقلیدی» با روایاتی که پیروی کورکورانه از گذشتگان را نکوهش می‌کنند، هماهنگ است؛ مانند فرازی از حدیث ۱۲: «بَلْ تَتَّبِعْ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (همان،

ص ۱۴). «جهل تعصبی» نیز با روایاتی که خودپسندی را نشانه ضعف عقل می‌دانند، همخوانی دارد؛ چنان‌که در حدیث ۳۱ آمده است: «إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ذَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ» (همان، ص ۲۷). افزون بر این، «جهل روشی» با روایاتی که اقدام بدون علم را نکوهش می‌کنند، مطابقت دارد؛ مانند حدیث ۲۹: «مَنْ هَجَمَ عَلَى أَمْرٍ بَغَيْرِ عِلْمٍ جَدَعَ أَنْفَ نَفْسِهِ» (همان، ص ۲۶). «جهل غفلت‌آمیز» نیز با فراز «التَّذَكُّرُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالسَّهْوِ مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ» تأیید می‌شود (همان، ص ۱۱).

برای نشان دادن نحوه توزیع این هم‌پوشانی‌ها، جدول (۳) احادیثی را که با انواع هفت‌گانه جهل قرآنی هم‌پوشانی مستقیم دارند، ارائه می‌کند. در این جدول، تنها احادیثی آمده‌اند که با این دسته‌بندی ارتباط مستقیم دارند؛ بنابراین، احادیث ۱-۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷-۲۴، ۲۶-۲۸، ۳۰، ۳۲ و ۳۴-۳۶، که از نظر مضمونی با این دسته‌بندی متناظر نیستند، در جدول ذکر نشده‌اند؛ هرچند در تحلیل‌های کیفی و جمع‌بندی نهایی، به‌عنوان چارچوب تمهیدی و ارزش‌گذارانه، برای تبیین نقش عقل به‌مثابه مبنای تکلیف و معیار ارزش‌گذاری معرفت، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

همچنین احادیثی مانند ۲۵، ۳۰ و ۳۳، که به‌طور کلی بر مذمومیت ذاتی جهل تأکید دارند، مؤید همه دسته‌ها هستند؛ اما چون به هیچ‌یک از دسته‌های هفت‌گانه اختصاص ندارند، در جدول (۳) درج نشده‌اند.

جدول ۳- دسته‌بندی روایات کتاب «العقل و الجهل» بر اساس انواع جهل قرآنی

نوع جهل	احادیث مرتبط	فراز مربوطه
جهل امتناعی	۱۴	التَّسْلِيمُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ، وَالشَّكُّ مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ
جهل تقلیدی	۱۲	بَلْ تَتَّبِعْ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
جهل تعصبی	۱۴ ۳۱	وَالْإِنْصَافُ وَضِدُّهُ الْحَمِيَّةُ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ ذَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ
جهل روشی	۱۰ ۲۹	يُطِيعُ الشَّيْطَانَ مَنْ هَجَمَ عَلَى أَمْرٍ بَغَيْرِ عِلْمٍ جَدَعَ أَنْفَ نَفْسِهِ
جهل هویتی	۱۴ ۱۶	التَّوَاضُّعُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ، وَالْكِبَرُ مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ إِنَّ قُلُوبَ الْجُهَّالِ ... تَرْتَهِنُهَا الْمُنَى وَتَسْتَعْلِقُهَا الْخَدَائِعُ
جهل انگیزشی	۱۴ ۱۶	الصَّبْرُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ، وَالْجَزَعُ مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ إِنَّ قُلُوبَ الْجُهَّالِ تَسْتَفِزُّهَا الْأَطْمَاعُ ...
جهل غفلت‌آمیز	۱۴	التَّذَكُّرُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ، وَالسَّهْوُ مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ

۵-۲-۲- نظام دوقطبی فضایل و رذایل در حدیث جنود عقل و جهل

مهم‌ترین و مفصل‌ترین روایت این باب، حدیث «جنود عقل و جهل» است. در این روایت، پس از آفرینش عقل و جهل، خداوند برای عقل، ۷۵ لشکر و برای جهل نیز ۷۵ سپاه قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۱). این لشکریان، همان فضایل و رذایل اخلاقی - معرفتی‌اند که در سلوک فردی و اجتماعی انسان تجلی می‌یابند. مجلسی در شرح این حدیث، «جند» را به معنای «عسکر، اعوان و انصار» دانسته و تأکید می‌کند که هر یک از این صفات، به سبب کثرت اقسام و شعب خود، «کأَنَّهُ جند» هستند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۵). این تفسیر نشان می‌دهد که مراد از این لشکریان، صفات و ملکات پایدار نفسانی است، نه موجودات خارجی.

از میان این ۷۵ سپاه، برخی ارتباط مستقیم با دسته‌بندی هفت‌گانه جهل در قرآن دارند. برای نمونه، تقابل «تواضع» و «کبر» در این روایت، با «جهل تعصبی» متناظر است؛ زیرا در تحلیل آیات نیز این نوع جهل، برخاسته از تکبر و خودبرتربینی دانسته شد. همچنین تقابل «صبر» و «جزع» با «جهل انگیزشی» هماهنگ است؛ چنان‌که در آیاتی مانند (انعام: ۳۵) (نهی پیامبر از بی‌تابی) و (یوسف: ۳۳) (خودداری از تسلیم در برابر شهوات) مشاهده شد.

نمونه دیگر، تقابل «انصاف» و «حمیت» است. انصاف از جنود عقل و حمیت از جنود جهل شمرده شده و با «جهل تعصبی» و آیه «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» (فتح: ۲۶) هماهنگی کامل دارد. همچنین تقابل «تؤدة» و «تسرع» با «جهل تقلیدی» مرتبط است؛ زیرا در آن، فرد بدون تأمل و تحقیق، شتاب‌زده از دیگران پیروی می‌کند. تقابل «تذکر» و «سهو» نیز با «جهل غفلت‌آمیز» متناظر است؛ همان جهلی که در آیات (نساء: ۱۷)، (انعام: ۵۴) و (نحل: ۱۱۹) با تعبیر «عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ» بیان شده است.

این روایت نشان می‌دهد که جهل در سنت امامیه، صرفاً فقدان علم یا حالتی انفعالی نیست، بلکه نیرویی فعال و سازمان‌یافته از رذایل اخلاقی - معرفتی است که در برابر لشکر عقل صف‌آرایی می‌کند. هر یک از این رذایل، در تحلیل آیات قرآن نیز به عنوان عامل جهل شناسایی شد. این تصویر دوقطبی، همسویی چشمگیری با تعریف لیندا زاگزبسکی از «رذیلت معرفتی» دارد؛ تعریفی که رذیلت معرفتی را شکست در انگیزه حقیقت‌جویی می‌داند؛ شکستی که ریشه در منش و خوی‌های پایدار عامل معرفتی دارد، نه صرفاً در نقص شناختی یا کمبود اطلاعات.

۵-۲-۳- جمع‌بندی روایات

یافته‌های روایی، سه نکته اساسی را تأیید می‌کنند:

۱. محوریت مسئولیت معرفتی: انسان در قبال به‌کارگیری عقل خویش مسئول است: «يُدَاقُّ اللَّهُ الْعِبَادَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱).
۲. هم‌راستایی فضایل اخلاقی و معرفتی: فضایی مانند تواضع، صبر و انصاف، هم فضایل اخلاقی‌اند و هم از شرایط دستیابی به معرفت به شمار می‌روند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۱).

۳. مذمومیت ذاتی جهل: جهل در روایات، نه یک نقص شناختی خنثی، بلکه «ذُلّ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶)، «نکراء» و «شیطنه» معرفی شده است: «فَقَالَ تِلْكَ التَّكْرَاءُ، تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَهِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَلَيْسَتْ بِالْعَقْلِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱).

بدین‌سان، روایات کتاب «العقل و الجهل» نه تنها تحلیل قرآنی را تأیید می‌کنند، بلکه شبکه مفهومی فضایل و رذایل معرفتی را با تفصیل بیشتری ترسیم می‌نمایند.

۶- بحث و جمع‌بندی یافته‌ها

۶-۱- خلاصه یافته‌ها

تحلیل آیات حاوی مشتقات «جهل» نشان داد که این مفهوم در قرآن، طیفی از معانی را دربرمی‌گیرد. در یک سوی این طیف، جهل مصداقی قرار دارد که لزوماً نکوهیده نیست (بقره: ۲۷۳). در سوی دیگر، گونه‌های مختلف جهل مذموم قرار دارند که همگی ریشه در رذایل اخلاقی - معرفتی دارند: جهل امتناعی (مقاومت در برابر حقیقت)، جهل تقلیدی (پیروی کورکورانه)، جهل تعصبی (داوری بر اساس هوای نفس)، جهل روشی (نادیده‌گرفتن اصول صحیح کسب معرفت)، جهل هویتی (خطا در شناخت خود و ارزش‌ها)، جهل انگیزشی (غلبه جهت‌گیری‌های انگیزشی بر تشخیص حقیقت) و جهل غفلت‌آمیز (سهل‌انگاری در مسئولیت معرفتی).

تحلیل روایات کتاب «العقل و الجهل» کافی، به‌ویژه حدیث «جنود العقل و الجهل»، نیز این دسته‌بندی را تأیید و تقویت کرد. در این روایات، جهل نه یک نقص شناختی خنثی، بلکه «ذُلّ»، «نکراء» و «شیطنه» معرفی شده و در برابر عقل، به عنوان محبوب‌ترین مخلوق خدا، قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جهل در قرآن، صرفاً یک وضعیت ایستای فقدان دانش نیست، بلکه در بیشتر موارد - به استثنای موارد نادر جهل مصداقی - شکستی فعال در عاملیت معرفتی انسان است. این برداشت، در شرح مجلسی بر حدیث جنود عقل و جهل نیز تأیید شده است؛ وی جهل را «قُوَّةٌ دَاعِيَةٌ إِلَى الشَّرِّ» و عقل را «قُوَّةٌ دَاعِيَةٌ إِلَى الْخَيْرِ» می‌داند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۶). این شکست، ریشه در رذایل معرفتی‌ای چون تعصب، تکبر، شتاب‌زدگی، سهل‌انگاری، تقلید کورکورانه، فقدان خویش‌داری و فقدان خودآگاهی دارد. این رذایل، مانع تماس شناختی با واقعیت می‌شوند و جهل را پدید می‌آورند و تداوم می‌بخشند. بر این اساس، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ بدین معنا که جهل در قرآن، عمدتاً رذیلتی معرفتی، پویا و نکوهیده است که از قصور عامل معرفتی در انجام وظایف شناختی خود ناشی می‌شود.

۶-۲- خوانش قرآنی جهل در آیین معرفت‌شناسی فضیلت

چارچوب نظری معرفت‌شناسی فضیلت مسئولیت‌گرا، به‌ویژه آرای لیندا زاگزیسکی، ابزار مناسبی برای صورت‌بندی و نظام‌بخشی به داده‌های قرآنی و روایی فراهم می‌آورد. این امر به معنای تحمیل نظریه بر متن نیست، بلکه نشان‌دهنده ظرفیت گفت‌وگوی معرفت‌شناسی اسلامی با فلسفه معاصر و امکان بهره‌گیری از

آن برای تبیین نظام‌مند آموزه‌های دینی است. مهم‌ترین نقاط همگرایی میان یافته‌های این پژوهش و آرای زاگزبسکی عبارت‌اند از:

۱. تأکید بر عاملیت و مسئولیت: در هر دو دیدگاه، معرفت دستاورد عمل فضیلت‌مندانه است و جهل، نتیجه شکست در انجام وظایف معرفتی و قصور در عاملیت اخلاقی - معرفتی انسان به شمار می‌رود.
۲. پیوند ناگسستنی فضایل فکری و اخلاقی: فضایل معرفتی در قرآن، همانند نظریه زاگزبسکی، صفاتی اکتسابی و ریشه‌دار در شخصیت انسان‌اند و با فضایل اخلاقی پیوندی جدایی‌ناپذیر دارند.
۳. معرفت به مثابه تماس شناختی با واقعیت: تعریف زاگزبسکی از معرفت، به عنوان تماس شناختی با واقعیت، با تصویر ارائه‌شده در قرآن همخوانی دارد؛ زیرا جهل، با ایجاد تصورات نادرست از واقعیت و ارزش‌ها، این تماس را مخدوش می‌سازد.
۴. ارزش ذاتی فضایل: در هر دو نگاه، فضیلت‌مندی در فرایند شناخت، صرف‌نظر از نتیجه آن، ذاتاً ارزشمند و شایسته ستایش است.

البته میان این دو دیدگاه تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در قرآن و روایات، فضیلت‌محوری شناخت با غایت‌شناسی الهی، یعنی عبودیت و قرب الهی، پیوند خورده است؛ در حالی که در نظریه زاگزبسکی، غایت فضایل صرفاً دستیابی به حقیقت و پرهیز از خطاست. با این حال، این تفاوت را باید برخاسته از محدودیت‌های به کارگیری یک نظریه سکولار برای تحلیل متن دینی دانست، نه نشانه‌ای از نقص قرآن یا نظریه.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که از منظر قرآن کریم و روایات، جهل مفهومی ایستا و صرفاً سلبی نیست، بلکه در بیشتر موارد، ناظر به شکستی در عاملیت معرفتی انسان است که ریشه در رذایل اخلاقی - معرفتی، همچون تعصب، تکبر، سهل‌انگاری، شتاب‌زدگی، تقلید کورکورانه، فقدان خویشتن‌داری و فقدان خودآگاهی دارد. در مقابل، قرآن کریم شبکه‌ای از فضایل معرفتی را به عنوان پیش‌شرط‌های ضروری کسب معرفت معرفی می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تمکین در برابر شواهد، ارزیابی نقادانه، انصاف معرفتی، تواضع معرفتی، شکیبایی، خویشتن‌داری، خودشناسی معرفتی و گشودگی ذهن.

محوری‌ترین یافته پژوهش، استخراج مفهوم «وظیفه‌شناسی معرفتی» به عنوان فضیلتی کانونی است؛ تعهدی فعال و مسئولانه به انجام وظایف شناختی با دقت و صداقت. شکست در این وظیفه‌شناسی، زمینه‌ساز طیف گسترده‌ای از رذایل معرفتی و در نهایت، جهل است.

همچنین پژوهش حاضر نشان داد که چارچوب نظری معرفت‌شناسی فضیلت‌مسئولیت‌گرا، به‌ویژه آرای لیندا زاگزبسکی، ابزار مناسبی برای صورت‌بندی و نظام‌بخشی به داده‌های قرآنی و روایی فراهم می‌آورد. یافته‌ها



حاکمی از آن است که میان مفهوم‌پردازی قرآنی از جهل و اصول این نظریه، ظرفیت گفت‌وگو و تعامل وجود دارد؛ هرچند نباید از تفاوت‌های بنیادین آن‌ها، از جمله غایت‌شناسی الهی در قرآن و روایات، در برابر غایت‌شناسی حقیقت‌محور در نظریه زاگزیسکی، غفلت کرد.

این پژوهش گامی در جهت بومی‌سازی و غنی‌سازی فلسفه معرفت بر پایه متون دینی اسلامی به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که قرآن و سنت، ظرفیت بالایی برای تأملات فلسفی درباره ماهیت معرفت، فضایل معرفتی و اخلاق پژوهش دارند.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

این پژوهش، به آیات مشتقات جهل و روایات کتاب «العقل و الجهل» اصول کافی محدود است. بنابراین، تعمیم یافته‌های آن به نظریه عمومی معرفت در قرآن، نیازمند پژوهش‌های مستقلی درباره آیات علم، عقل، حکمت، بصیرت و تدبیر است. همچنین، روایات دیگر منابع حدیثی در این پژوهش بررسی نشده‌اند. برای تکمیل این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

۱. این چارچوب تحلیلی بر آیات مرتبط با مفاهیمی چون علم، معرفت، حکمت، عقل، بصیرت و تدبیر نیز اعمال شود تا تصویر جامع‌تری از نظریه معرفت در قرآن به دست آید.
۲. مطالعه‌ای تطبیقی میان فضایل معرفتی استنباط‌شده از قرآن، فهرست فضایل ارائه‌شده در معرفت‌شناسی فضیلت، به‌ویژه در آرای زاگزیسکی و مونتمارکوئیت و نیز دیدگاه فلاسفه مسلمان، مانند ملاصدرا، انجام شود.
۳. بر اساس یافته‌های این پژوهش، زمینه برای تدوین و توسعه نظریه‌ای در معرفت‌شناسی دینی با تکیه بر مبانی قرآنی، روایی و فلسفی فراهم گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. اسکندری، جعفر (۱۳۹۴). «بررسی معنای واژه جهل در قرآن کریم»، بلاغ مبین، شماره ۴۲-۴۳، صص ۷۴-۳۱.
۲. اشرف عدیل، محمد (۱۴۰۳). معرفت‌شناسی قرآن؛ عناصر رویکرد فضیلت‌محور به معرفت و ادراک، ترجمه: نوروز امینی، رشت: دانشگاه گیلان.
۳. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸). خدا و انسان در قرآن: معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. بائر، جیسون (۲۰۱۲). «چهار گونه معرفت‌شناسی فضیلت‌مبتنی بر شخصیت»، ر.ک: جان گرکو و جان توری، (۲۰۱۲)، صص ۶۹-۳۳.
۵. باتالی، هدر (۲۰۱۲). «معرفت‌شناسی فضیلت»، ر.ک: جان گرکو و جان توری (۲۰۱۲)، صص ۳-۳۲.
۶. پریور، جیمز (۲۰۰۱). «نکات برجسته معرفت‌شناسی اخیر»، برای فلسفه علم، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۴.
۷. رفیعی، علی؛ عبدالحی، حسن (۱۳۹۳). «معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی، شماره ۲۰، صص ۱۲۹-۱۵۰.
۸. زاگزسکی، لیندا (۱۹۹۶). فضایل ذهن: تحقیقی در مورد ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المانور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۰. سوسا، ارنست (۱۹۸۰). «قایق و هرم: انسجام در مقابل مبانی در نظریه معرفت»، مطالعات غرب میانه در فلسفه، شماره ۱، صص ۲۶-۳. [10.1111/j.1475-4975.1980.tb00394.x](https://doi.org/10.1111/j.1475-4975.1980.tb00394.x)
۱۱. _____ (۱۹۹۱). معرفت در دیدگاه: گزیده مقالات در معرفت‌شناسی، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
۱۲. صادقی، مسعود (۱۳۹۳). «تحلیل فضایل مبتنی بر جهل از منظر جولیا درایور»، پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۲۳، صص ۱۶۹-۱۸۸.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک.
۱۶. کد، لورن (۱۹۸۷). مسئولیت معرفتی، هانوفر: انتشارات دانشگاه نیوانگلند و انتشارات دانشگاه براون.
۱۷. گتیه، ادموند (۱۹۶۳). «آیا معرفت، باور صادق موجه است؟»، آنالیز، شماره ۶، صص ۱۲۱-۱۲۳. <https://doi.org/10.1093/analys/23.6.121>
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۰. موتمارکونت، جیمز (۱۹۹۳). فضیلت معرفتی و مسئولیت باورسازانه، لنهام: رومن و لیتفیلد.

۲۱. نیدیچ، پیتر اچ (۱۹۸۳). «مرحله اول ایده ریاضیات: فیثاغورث، افلاطون، ارسطو»، مطالعات غرب میانه در

فلسفه، شماره ۱، صص ۳-۳۴. <https://doi.org/10.1111/j.1475-4975.1983.tb00458.x>

۲۲. ویتکامب، دنیس؛ باتالی، هدر؛ باهر، جیسون؛ هاوارد-اسنایدر، دنیل (۲۰۱۷). «فروتنی فکری: پذیرش

محدودیت‌های خود»، فلسفه و پژوهش پدیدارشناختی، شماره ۳، صص ۵۰۹-۵۳۹.

<https://doi.org/10.1111/phpr.12228>

23. Adil, M. A. (2024). *Qur'anic epistemology: Elements of a virtue-oriented approach to knowledge and perception*, Trans N. Amini, University of Guilan Press. (In Persian)
24. Al-Fadlallah, S. M. H. (1999). *Min wahy al-Qur'an*. Dar al-Malak. (In Arabic)
25. Al-Suyuti, A. R. ibn A. (1984). *Al-Durr al-manthur fi al-tafsir al-ma'thur*. Al-Marahshi Al-Najafi Library. (In Arabic)
26. Al-Tabarsi, F. ibn H. (1993). *Majma' al-bayan li-'ulum al-Qur'an*. Nasir Khusrow. (In Arabic)
27. Al-Tabataba'i, S. M. H. (1997). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. Jame'e Modarresin. (In Arabic)
28. Baehr, J. (2012). "Four Varieties of Character-Based Virtue Epistemology". In J. Greco & J. Turri (Eds.), *Virtue Epistemology*, 33-69.
29. Battaly, H. (2012). "Virtue Epistemology". In J. Greco & J. Turri (Eds.), 3-32.
30. Code, L. (1987). *Epistemic Responsibility*. University Press of New England.
31. Eskandari, J. (2015). "Examining the meaning of the word "Jahl" in the Holy Quran". *Balaqhe Mobin*, 11 (42-43), 7-31. (In Persian)
32. Gettier, E. L. (1963). "Is Justified True Belief Knowledge?". *Analysis*, 23(6), 121-123. <https://doi.org/10.1093/analys/23.6.121>
33. Izutsu, T. (2009). *God and Man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic Weltanschauung* (A. Aram, Trans.). Tehran: Sherkate Sahamiye Entesharat. (In Persian)
34. Kulayni, M. ibn Y. (1984). *Al-Kafi* (A. A. Ghaffari, Ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic)
35. Majlisi, M. B. (1984). *Mir'at al-'Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul* (H. R. Mahallati, Ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Arabic)
36. Montmarquet, J. A. (1993). *Epistemic Virtue and Doxastic Responsibility*. Rowman & Littlefield.
37. Nidditch, P. H. (1983). "The First Stage of the Idea of Mathematics: Pythagoreans, Plato, Aristotle". *Midwest Studies in Philosophy*, 8(1), 3-34. <https://doi.org/10.1111/j.1475-4975.1983.tb00458.x>
38. Pryor, J. (2001). "Highlights of Recent Epistemology". *The British Journal for the Philosophy of Science*, 52(1), 95-124.
39. Rafiei, A., & Abdullahi, H. (2014). "Semantics of the word "Jahl" in the Holy Quran". *Quranic Studies*, 5 (20), 129-150. (In Persian)
40. Sadeghi, M. (2014). "Analysis of virtues based on ignorance from the perspective of Julia Driver". *Pajooeshnameh Akhlaq*, 7 (23), 169-188. (In Persian)

41. Sosa, E. (1980). "The raft and the pyramid: Coherence versus foundations in the theory of knowledge". *Midwest Studies in Philosophy*, 5(1), 3-25.
<https://doi.org/10.1111/j.1475-4975.1980.tb00394.x>
42. Sosa, E. (1991). *Knowledge in Perspective: Selected Essays in Epistemology*. Cambridge University Press.
43. Whitcomb, D., Battaly, H., Baehr, J., & Howard-Snyder, D. (2017). "Intellectual Humility: Owning Our Limitations". *Philosophy and Phenomenological Research*, 94(3), 509-539.
<https://doi.org/10.1111/phpr.12228>
44. Zagzebski, L. T. (1996). *Virtues of the Mind: An Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundations of Knowledge*. Cambridge University Press.